

چراهای بزرگ کودکان

یکی از شاخه‌های پرطرفدار فلسفی نزد پژوهشگران و فیلسوفان معاصر، فلسفه کودکی یا فلسفه کودکان است...



یکی از شاخه‌های پرطرفدار فلسفی نزد پژوهشگران و فیلسوفان معاصر، فلسفه کودکی یا فلسفه کودکان است. پرسش از چگونگی فرایند اندیشیدن نزد کودکان و ویژگی‌ها و مولفه‌های آن، از جمله دل‌مشغولی‌های این زمینه فلسفی است. اکنون در غرب مراکز و کارگاه‌هایی در این حوزه مشغول به فعالیت هستند. در ایران نیز چند سالی است که توجه پژوهشگران به این زمینه جلب شده است. مطلب حاضر نگاهی دارد به سرشت مطالعات مرتبط با فلسفه کودک. فلسفه کودکی یکی از شاخه‌های شناخته‌شده در فلسفه به شمار می‌آید که به مناسبات حقوقی و قانونی توجه خاصی مبذول داشته است. طرح پرسش‌هایی در باب دوران کودکی، ادراک بزرگسالان از این دوران و رفتار و نگرش آنها نسبت به کودکان را می‌توان قسمتی از چرایی وجود این حوزه از فلسفه دانست. فرضیه‌های چیستی کودک، ظهور مباحث شناختی و اخلاقی در این حوزه، طرح پرسش در باب حقوق قانونی و جایگاه هنر و ادبیات کودکان و سرانجام مطالعات مقایسه‌ای کودکان در فرهنگ‌های گوناگون و جایگاه شایسته آنها در جامعه بدون شک نیازمند مطالعات و نگرش‌های مقتضی و فلسفی است. در مبحث آکادمیک این حوزه، فلسفه تعلیم و تربیت نقش پررنگی را ایفا می‌کند و به این دلیل اخیراً فلاسفه آغاز به ارائه واحدهای پژوهشی و درسی خاصی در باب فلسفه کودکی در مدارس و مراکز علمی و آکادمیک کرده‌اند. فیلیپ آریز در اثر بدیعش به نام سده‌های طفولیت عنوان می‌کند که معنا و مفهوم کودکی طی سده‌های مختلف معانی گوناگونی داشته و تصور فعلی ما از این دوران تحت‌تأثیر شرایط تاریخی و فرهنگی سده‌های پیشین است؛ با این وصف چگونگی نفوذ تصورات تاریخی بر اندیشه‌ها و تفکرات حاضر و گوناگونی آن از یک فرهنگ تا فرهنگ دیگر مبحثی پژوهشی و فلسفی است که نیازمند موشکافی، پژوهش و بررسی است.

آریز در جایی دیگر بیان می‌کند: حتی امروزه دیدگاه مسلط در باب کودکی دربرگیرنده تفکری است که ما عمدتاً از آن به نام مفاهیم ارسطویی در حیطه شناخت دوران کودکی، یاد می‌کنیم. طبق نظریه ارسطو 4 گونه علت وجود دارد. یکی از آنها علت غایی و دیگری علت صوری است. ارسطو اینگونه استدلال می‌کند که علت غایی یک ارگانیسم زنده، عملکردی است که آن ارگانیسم به‌طور طبیعی انجام می‌دهد تا به غایت رشد و بلوغ دست یابد و علت صوری را قالب و ساختاری عنوان می‌کند که انسان در دوران بلوغ و بزرگسالی به آن دست می‌یازد.

در واقع طبق این نظریه فرزند انسان یک نمونه رشدنیافته از یک ارگانیسم است که ذاتاً توانایی آن را دارد که به شکل یک نمونه رشدیافته، به ساختار و عملکرد یک بزرگسال طبیعی و متعارف برسد. امروزه بسیاری با نظریات ارسطو اتفاق نظر دارند و اینگونه ارتباطات خود با کودکان اطرافشان را شکل می‌دهند. در نتیجه آنان مسئولیت اصلی و ابتدایی خود می‌بینند که محیطی گرم و صمیمانه را برای کودکان در حال رشد پدید آورند زیرا ساختار ذهنی و فیزیکی بزرگسالان این اجازه را به آنان می‌دهد تا بتوانند همانند یک بالغ طبیعی و به‌نحار عمل کنند و کودکان را تحت حمایت خود قرار دهند.

آنچه از آثار اندیشمندان باستان مشهود می‌شود، درک تقریبی از تغییرات رشد و تکامل در رده‌های سنی گوناگون است. در واقع فرضیه رده سنی در نوشته‌های بسیاری از نویسندگان قرون وسطی مشاهده می‌شود. در عصر مدرن نیز می‌توان رد پای این فرضیه را به‌طور برجسته در اثر ژان ژاک روسو به‌نام امیل جست‌وجو کرد. با این حال این پیازه بود که برای نخستین بار نسخه بسیار پیچیده‌ای از فرضیه رده سنی را ارائه داد و بدین‌ترتیب، نظریه او الگویی غالب برای درک و فهم برهه کودکی در اواخر قرن بیستم قرار گرفت. چیستی کودکی و چگونگی درک مفهومی آن برای پاسخ به چرایی و چگونگی‌های این برهه از زندگی انسانی و یافتن پاسخی درخور مطالبات قانونی کودک در جامعه، امری ضروری می‌نماید همانگونه که مطالعات کودکان در زمینه‌های روانشناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و بسیاری زمینه‌های دیگر مبرم و مورد نیاز است.

فرضیه رشد شناختی

به‌طور کلی هر معرفت‌شناس مجربی در باب فرضیه رشد شناختی در کودکان مطالعات و پژوهش‌های لازم را خواهد داشت. از دیدگاه دکارت ذهن آدمی پایه و اساس ادراک شفاف و ملموس او از جهان اطرافش خواهد بود درحالی‌که جان لاک درمقابل، اینگونه بیان می‌کند که ذهن آدمی همانند کاغذی سفید، تهی از هرگونه تصور و انگاره‌ای است. در این دیدگاه اندیشه‌ها و تصورات انسانی از مسائل پیرامونش، حاصل تجربه‌های اوست. درواقع نظریه لاک با دیدگاه افلاطون که یادگیری را حاصل یادآوری مجدد صورت‌ها و مثل می‌انگارد نیز به مخالفت می‌پردازد.

البته باید گفت که امروزه شمار معدودی از فرضیه‌های رشد شناختی متمایل به تجربه‌گرایی افراطی لاک یا ذات‌گرایی محض دکارت‌اند.

از جمله کسانی که تاثیر عظیمی بر نحوه تفکر روانشناسان، مربیان آموزشی و فلاسفه، در باب رشد شناختی کودکان گذاشت ژان پیاژه بود. پیاژه در یکی از نخستین آثارش به نام مفاهیم دنیای کودک صریحا بیان کرد که فعالیت روانشناسان رشد تکوینی چگونه با فلسفه پیوند خورده است. او در این اثر مباحثی حول موضوعاتی از قبیل ماهیت اندیشه، خاستگاه رؤیاهای، هوشیاری و فلسفه زبان داشته است.

فرضیه رشد اخلاقی

در پیشینه اخلاقیات تاکنون، شمار بسیاری از فلاسفه توجه خاصی به مباحثات رشد اخلاقی مبذول داشته‌اند. به‌عنوان نمونه افلاطون طرحی آموزشی در راستای ارتقای فضیلت‌های اخلاقی حکمرانان ارائه کرده، همچنین استدلال ارسطو نیز از ساختار منطقی فضیلت‌های اخلاقی، چهارچوب ملموسی برای درک چگونگی رخداد رشد اخلاقی پدید آورده است. رواقیون نیز به نوبه خود به محرک‌های رشد اخلاقی علاقه ویژه‌ای نشان داده‌اند. در میان فلاسفه مدرن روسو بیش از همه به مبحث رشد اخلاقی پرداخته است. روسو 5 مرحله را برای گذر انسان تا دستیافتن به رشد اخلاقی حائز اهمیت می‌داند.

دیدگاه او در مقابل نظریه لاک که اعتقاد دارد کودکان از توانایی فهم استدلال عقلانی برخوردارند، قرار می‌گیرد. او عنوان می‌کند که کودکان کوچک‌تر از 13 سال توانایی درک استدلال‌های منطقی را ندارند. فرضیه رشد اخلاقی را ژان پیاژه در کتاب منطق برای کودکان پایه‌گذاری کرد. چندی پس از آن فرضیه لورنس کولبرگ تاثیر چشمگیری بر دیدگاه روانشناسان، مربیان آموزشی و حتی فلاسفه گذاشت. مثال آنچه جان رالز در باب کودکان در اثرش به نام فرضیه عدالت ارائه کرده بیش از همه مدیون فرضیه‌های پیاژه و کولبرگ است.

حقوق کودکان

ارسطو فرزندان را جزئی از مایملک پدران می‌داند و اینگونه استدلال می‌کند که نمی‌توان هیچ‌گونه بی‌عدالتی در حق آنچه دارایی ماست روا داشت. در واقع او بیان می‌کند که پدر نباید در حق فرزند خویش عمل ناروایی انجام دهد. طبق نظریه ارسطو کودک تا آن زمان که به رشد کامل دست نیافته پاره‌ای از دارایی پدر بوده یا به عبارت دیگر قسمتی از وجود او و مسلما هیچ فردی به من وجودی خویش آسیبی نخواهد رساند.

با این حال امروزه با مشاهده موارد بی‌شماری از سوءاستفاده‌های ایزاری و جنسی از کودکان به‌سختی می‌توانیم سخنان ارسطو را هضم و تأیید کنیم. در دنیای امروز حتی حیوانات نیز از حداقل‌های حمایت‌های قانونی در برابر آسیب‌ها و سوءاستفاده، برخوردارند و بدین‌سبب بیش از همه، روشنفکران نسبت به شیوع کودک‌آزاري حساس و نگرانند. اما با اینکه راهکارها و قوانین بی‌شماری برای حمایت کودکان در جامعه وضع و اجرا می‌شود، هنوز نیز با کودکان همانند دارایی والدین رفتار می‌گردد. با این اوصاف هر جامعه‌ای راهکارهای قانونی و اخلاقی خویش را برای حمایت از سرمایه‌های خود (کودکان) وضع خواهد کرد تا کودکان را بیش از پیش از گزند آسیب‌های محیطی یا خشونت‌های خانوادگی در امان نگاه دارد.

کودکان در عرصه خلاقیت

امروزه به اثبات رسیده که کودکان 4 تا 6 ساله نسبت به بزرگسالان علاقه بیشتری به خلق طرح و نقاشی‌های ارزشمند خلاقانه هنری دارند اما برای بیشتر بزرگسالان درک این موضوع فراتر از تشویق کودکان به نقاشی روی دفتر یا در یخچال منزل نمی‌رود. طبق نظر ارسطو کودکی لزوما دورنما و چشم‌اندازی از بزرگسالی است. با توجه به این موضوع استعدادهای بالقوه کودک در بزرگسالی نمود پیدا کرده و به شکوفایی می‌رسند. در واقع موفقیت‌های افرادی هر فردی شمه‌ای از کامیابی‌های او در کودکی است.

با این حال به‌نظر می‌رسد که هنر کودکان از این موضوع مستثنی باشد. البته هر فردی می‌تواند اینگونه استدلال کند که افرادی که در کودکی مشتاق خلق آثار هنری هستند، در بزرگسالی نیز مجال بیشتری برای شکوفایی و پیشرفت دارند تا آنهایی که اجازه یا مجال پرداختن به خلاقیت‌های ذهنی خویش را ندارند. اما حقیقت امر آن است که آثار هنری کودکان بیش از زمان بزرگسالی آنان دارای معیارهای خلاقانه و ارزشمند هنری است.

نتیجتا این شبهه حادث می‌شود که کامیابی بزرگسالی ضرورتا اشتقاقی از دوران کودکی او نخواهد بود. در واقع می‌توان جمله مایکل اسلات را که عنوان می‌کند تمام رؤیاهای بی‌ارزش هستند به جز رؤیاهایی که بر زندگی ما تاثیر عمیقی خواهند گذارد، به یاد آورد. قاعدتا آنچه در کودکی در جریان است بر دیدگاه ما در تمام زندگی اثرگذار است و در واقع موفقیت‌ها و شکست‌های کودکی نقش عظیمی در بزرگسالی فرد ایفا خواهند کرد.

تفکرات فلسفی در کودکان

متیو شواهد و مدارکی ارائه می‌دهد که توانایی کودکان را در فلسفه‌ورزی و استدلال‌های منطقی آشکار می‌سازد و اصحاب فلسفه و پژوهشگران این حوزه، آن را نوعی فلسفیدن می‌نامند که در اینجا به مرور برخی از آنها می‌پردازیم:

تیم شش ساله: هنگامی که مشغول لیسیدن بستنی است می‌پرسد: پدر چگونه می‌توانیم مطمئن شویم که همه چیز در اطرافمان یک رؤیا نیست و واقعی است؟ پدر که پاسخی ندارد می‌گوید: چرا چنین سؤالی می‌پرسی پسر؟ سپس تیم مجددا مشغول لیسیدن بستنی می‌شود و پس از مدتی پاسخ می‌دهد: خب من که فکر نمی‌کنم همه چیز خواب و رؤیاست چون آدم‌های خیال‌پرداز راه نمی‌افتند تا بیرسند که همه چیز یک رؤیا بوده یا نه.

اورسلا سه ساله: مامان شكم درد دارم، مادرش پاسخ مي‌دهد: اگر دراز بكشي و بخوابي دردت از بين مي‌رود. اورسلا مجدداً مي‌پرسد (درد شكم) به كجا مي‌رود؟
اين شش ساله: با دوستانش روبه‌روي تلويزيون نشسته اما 3كودك ديگر نمي‌گذارند كه او برنامه مورد علاقه‌اش را تماشا كند. او خطاب به مادرش مي‌گويد: مامان آيا اشتباه 3نفر آدم خودخواه بيشتري از يك آدم خودخواه نيست؟ به‌نظر مي‌رسد مفاهيم قابل تعمقي در سؤالات بالا نهفته باشد.

گارچ ميتوز
همشهري آنلاين- ترجمه ساناز سرايي‌زاده